



گفت و گو با دکتر محمد شهباء، مترجم آثار سینمایی

فقر شدید منابع سینمایی در ایران



لیسانس تدوین از دانشکده سینما- تئاتر تهران، همچنین دارای دکتری در رشته عضو هیئت علمی دانشکده سینما- تئاتر

محمد شهباء، متولد ۱۳۴۳ در تهران، و فوق لیسانس رشته هنر از دانشگاه روایت شناسی از انگلستان، هم اکنون دانشگاه هنر است.

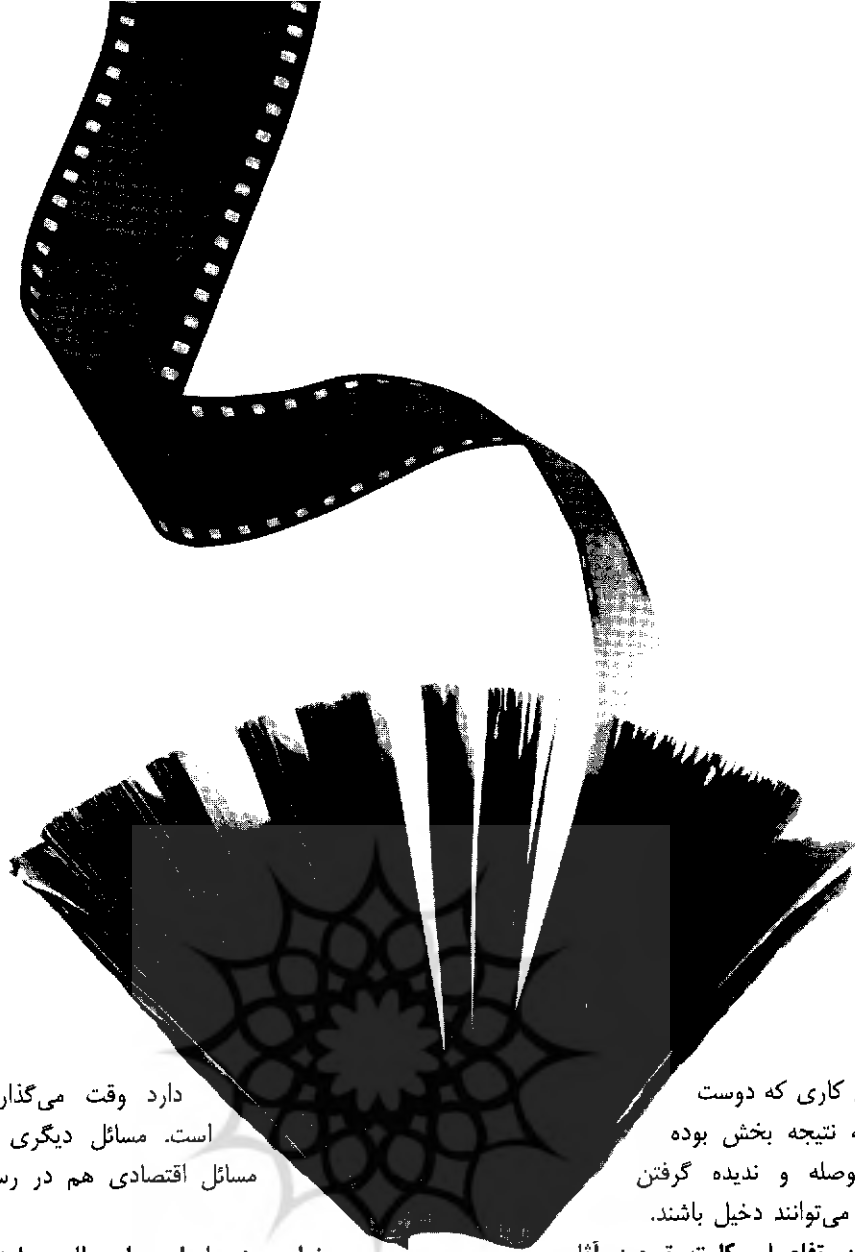
وی معتقد است ترجمه متون سینمایی دیگر با واژگان و اصطلاحات همان رشته سر و کار داریم. مثلاً وقتی متون فلسفی ترجمه می‌کنیم ۸۵ درصد واژگان در حوزه فلسفه هستند، اما در سینما این گونه نیست. سینما با حیثه‌های گوناگونی از جمله مطالعات فرهنگی، نشانه شناسی، جامعه شناسی، فلسفه، زیبایی شناسی، تاریخ و... سر و کار دارد. با وی در مورد ترجمه آثار سینمایی گفت‌وگو کرده ایم.

آثار ترجمه ای شما از سوی بسیاری از افراد در حوزه هنر با استقبال مواجه شده؛ در ابتدای بحث به این موضوع بپردازیم.

بله، حتی بعضی از دوستان فیلم ساز من برای ساختن فیلم جدید یک ورقی از کتاب من را می‌خوانند و اینها خیلی ارزشمند است. همچنین چاپ‌های متعدد، نقدهای مثبت و علاقه شدید از سوی مخاطبانم را دلایل اصلی موفقیتیم می‌دانم.

فکر می‌کنید اگر دانشجویان هم مسیر شما را دنبال کنند و در متون خود به کارهای ترجمه شما گرایش نشان دهند، مثل شما موفق خواهند بود؟ یعنی فضا برای دیگرانی که در این حوزه ترجمه و تألیف می‌کنند به چه ترتیب است؟

مترجم بودن در کشورهایی مثل کشور ما فقط به این برنمی‌گردد که شما زبان مقصد، زبان مبدأ و موضوع را بدانید. درست است که این سه نکته از شروط اولیه در ترجمه است، اما به نظر من کافی نیست. همچنین داشتن شم در انتخاب کتاب کمک خیلی زیادی می‌کند؛ یعنی اینکه ما بگردیم ببینیم الان جای کدام کتاب خالی است و مخاطب به دنبال چه چیزی است. رسیدن به انتخاب بهترین توسط خود شخص امر مهمی است. همچنین دلیل دیگر برای خوب کارکردن و درخشیدن این است که سفارشی کار نکنیم. برای خود من تا حالا پیش نیامده که سفارشی را از سوی ناشر بپذیرم. همیشه کار را خوانده ام، پسندیده‌ام و بعد شروع به کار کرده‌ام. چون مسلماً



دارد وقت می‌گذارد و
است. مسائل دیگری مثل
مسائل اقتصادی هم در رسیدن

سینمایی در ایران را مطلوب ارزیابی

انسان برای کاری که دوست
این همیشه نتیجه بخش بوده
پشتکار، حوصله و ندیده گرفتن
به موفقیت می‌توانند دخیل باشند.

با همه این تفاسیل، کلیت ترجمه آثار
می‌کنید یا نه؟

اول باید وضع نشر را بررسی کنیم. انتشارات در ایران به صورت مدون نیست و پراکنده است. همچنین بیشتر آثار ترجمه است تا تألیف. ما در زمینه تألیف ضعیف عمل کرده ایم، چون کار مشکلی است. ما در ایران ارگان‌هایی داریم که در زمینه پژوهش فعالیت می‌کنند، اما به نوعی خود این ارگان‌ها مانع از پژوهش‌اند. مثلاً دسترسی به بخشی از تاریخ سینمای ایران به دلیل اینکه در مجلات قبل از انقلاب منتشر می‌شد گاهی سخت و گاهی ناممکن است و بعضاً به این دلایل کارهای پژوهشی-تألیفی در زمینه سینما در کشور ما کم‌رنگ تر می‌شود.

چه راهکاری برای رفع این مشکل در نظر دارید؟

راهکار اصلی خود انسان‌ها هستند. افراد در هر زمینه ای که بخواهند می‌توانند اسلوب این راه را بیابند و اسلوب هم نشان می‌دهد که ترجمه کردن راحت تر است. مثلاً در کشور ما گرفتن مجوز واردات کالا از تولید آن به مراتب آسان تر است. در مجموع سینما هم همان روند را طی می‌کند.

به نظر شما روند فعلیتی که دوستان مختلف در حوزه ترجمه سینمایی انجام داده اند روشمند بوده است یا نه؟

در کلیت خودش شاید نه، اما در انتخاب‌های شخصی، شاید. واقعیت این است که تعداد مترجمان فعال واقعی ما در زمینه سینما بسیار انگشت شمار است و مثل هر حیطه دیگر هم اختلاف کیفیت وجود دارد.

با توجه به گرایش نسل جوان به این حوزه، آموزش را در این زمینه چگونه می‌بینید؟

ما در زمینه ترجمه سینمایی هیچ مرکز آموزشی نداریم و بیشتر بر اساس علاقه شخصی به این رشته گرایش پیدا می‌کنند. مطمئناً بهترین مترجمان ما از دانشگاه بیرون نیامده‌اند. شاید یکی از دلایل گستردگی کار من در

ترجمه همین آشنایی با نظریه‌های ترجمه است و این بحث بسیار مهمی است. بیشتر مترجمانی که می‌شناسم با مبانی نظریه ترجمه بیگانه‌اند و این مانع آگاهی و شناخت این افراد در کارشان می‌شود.

شما جدیداً در این حوزه وارد تک‌نگاری شده‌اید؛ آیا خلأ خاصی را احساس کردید یا دلایل دیگری دارید؟ فعالیت اصلی من در زمینه نظریه سینما است، اما در کنارش از این دست فعالیت‌ها هم می‌کنم. یکی از دلایلی هم این است که فیلم‌های زیادی از تلویزیون به صورت خلاصه نمایش داده می‌شود و دسترسی ما به فیلم‌های خارجی در حد بالایی است. دلیل دیگر شاید سطح برنامه‌هایی است که در تلویزیون در مورد فیلم صحبت می‌کنند، که در سطح مطلوب سینمایی نیست. مثلاً در برنامه‌ای که درباره فیدل کاسترو ساخته شده بود از سفیر سابق ایران در کوبا دعوت کرده بودند تا در مورد این فیلم صحبت کند. پس در این جا نقش تحلیل سینمایی نادیده گرفته می‌شود. یعنی نوعی تصور غلط تحلیل فیلم در جامعه وجود دارد که افراد فکر می‌کنند تحلیل فیلم همین است که از شبکه‌های مختلف می‌بینیم. این تک‌نگاری‌ها سطوح جدی‌تر دیگری را علاوه بر فیلم و محتوا مدنظر قرار می‌دهد و بررسی می‌کند.

دلیل دیگر گرایش به تک‌نگاری جای خالی منابع است. دانشجویهای ما متأسفانه زبان انگلیسی را خوب نمی‌دانند، پس چه بهتر که برای این افراد ایجاد منبع کنیم و منابع فارسی را در اختیارشان قرار دهیم. همچنین وقتی یک مجموعه به شکل مدون منتشر می‌شود، دایره‌المعارفی را از دانش افراد گوناگون درباره فیلم‌های گوناگون تشکیل می‌دهد.

شیوه کار ناشران خارجی در حوزه مطالعات سینما به چه نحو است؟ آیا روشمند است؟ چه مخاطبانی را مدنظر قرار می‌دهند؟

رشته سینما از اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی در دنیا دانشگاهی شد. در نتیجه در مقابل رشته‌های ادبیات، فلسفه و جامعه‌شناسی نوپا تر به نظر می‌آید. اما تعداد دانشگاه‌هایی که در خارج از ایران وجود دارد بیشتر از ایران است، به همین دلیل نوع نگاه به انتشارات سینمایی است به معنای مطالعات کشورهای گوناگون مطرح می‌شود. که به صورت کتاب چاپ می‌شود و مدنظر داریم؛ مثل «صد فیلم‌نامه» که به چاپ رسیده و برای همین شاید ما در ناشران ایرانی زیاد کار گروهی



حوزه سینما جمع شوند و با نادیده گرفتن

را سامان بخشند که در دراز مدت جواب‌گویی نیازها به شکل گروهی باشد. دلیل این امر چیست؟ دلایل این امر مشخص است. در کشورهای دیگر تعداد دانشجویان مرتبط با سینما مثل رشته ارتباطات، رسانه‌ها و... بسیار بیشتر است تا کشور ما که فقط سه مرکز تربیت دانشجو داریم. تعداد این دانشجویان هم جواب‌گویی هزینه‌های انتشار کتاب فقط برای دانشجوی سینما نیست. در نتیجه خود من هم کتابی را برای ترجمه انتخاب می‌کنم که دانشجو، منتقد، دست‌اندرکار سینما و علاقه‌مند سینما هم بپسندد و احتمالاً افرادی هم که اهل ادبیات هستند از آن لذت ببرند. دلیل اصلی آن را هم کمبود جمعیت دانشجو و همچنین میزان کم تیراژ کتاب در کشور می‌دانم.

با این اوصاف نمی‌شود امیدوار بود که گروه مترجمان در حوزه سینما تشکیل شود؟

از منظر واقع‌بینانه، روحیه ما ایرانی‌ها روحیه کار گروهی نیست. برای مثال ما در فوتبال که یک کار گروهی است، مشکل داریم، اما در کشتی این مشکل را نداریم. من تجربه کار ترجمه مشترک داشتم و با اینکه مشکلات کم بود، ترجیح دادم ادامه ندهم، چون سلیق و پسندها مختلف است.

در ترجمه با اصل بازی با کلمات مواجهید و اینکه کدام کلمه را کجا انتخاب کنید، بیشتر برعهده خود مترجم است. حالا اینکه شما بخواهید فرد دومی را هم برای این انتخاب مجاب کنید، انرژی را می‌گیرد. کار گروهی زمانی معنا پیدا می‌کند که افراد در گروه، استانداردها و کیفیت و فعالیت در یک سطح باشند.

ترجمه سینمایی کار اصلی من نیست، من در درجه اول استاد دانشگاه هستم؛ در درجه دوم فیلم‌نامه فیلم و سریال می‌نویسم و در درجه سوم هم فیلم می‌بینم. ترجمه برای من در درجه آخر قرار دارد. این امر باعث می‌شود تا بتوانم در یک کار گروهی خودم را هماهنگ کنم و کلاً به فعالیت گروهی در زمینه ترجمه سینمایی اصلاً فکر نمی‌کنم.

از مشکلات کار ترجمه بگویید؛ آیا شما با مشکل خاصی برخورد کرده اید؟

من کلاً در این راه خوش شانس بوده ام و مشکل زیادی نداشته‌ام. یکی از دلایل این است که به چند زبان مختلف مسلطم و دلیل بعدی هم اینکه هیچ وقت در مورد ناشر مشکل نداشته‌ام و کارم همیشه به این شکل بوده که کتاب را پسندیده ام و بعد به ناشر داده‌ام. بعد از رضایت ناشر قرارداد بسته‌ام و بعد شروع به ترجمه کرده‌ام. در زمینه فروش کتاب‌ها هم مشکل نداشته‌ام و همه کتاب‌هایم یا نایاب است و یا به چاپ‌های دوم و سوم رسیده.

مشکل اصلی در زمینه مطالعات و تئوری سینما، به حوزه ساختن واژگان مربوط می‌شود. من چون خودم عضو گروه واژه‌گزینی سینما و تلویزیون فرهنگستان زبان و ادب فارسی هستم، با این قضیه آشنایی دارم. واژه‌هایی که ما می‌سازیم در ترجمه‌ها نیز از آنها استفاده می‌کنیم و همین به رواج آنها کمک می‌کند. باز خورد این امر خوب بوده است؟

بله، چون در این زمینه احتیاط به خرج می‌دهم، و اصولاً سره‌گرا هم نیستیم؛ یعنی در مقابل همه کلمه‌های خارجی فقط از واژه اصیل فارسی استفاده نمی‌کنم؛ چون به نظر من با تغییراتی می‌شود واژه‌ای خارجی را تبدیل به فارسی کرد.

از مترجمان خوب در این حوزه چه کسی را می‌توانید نام ببرید؟

دکتر علاء‌الدین طباطبایی که دکترای زبان شناسی دارند. من کار ترجمه سینمایی ایشان را خیلی می‌پسندم. ایشان الان در فرهنگستان زبان و ادب فارسی هستند و کارهای واژه‌گزینی و زبان شناسی انجام می‌دهند. گزینش آثار سینمایی از سوی افرادی که به سمت این کارها می‌روند به چه ترتیب است؟ آیا خلأ خاصی را حس می‌کنند و یا دلیل دیگری دارد؟

بسیاری از دوستان من هستند که سفارشی کار می‌کنند؛ یعنی ناشر به آنها کار را می‌دهد و آنها نیز ترجمه می‌کنند؛ ولی معدودی هم هستند که خودشان انتخاب می‌کنند. من شیوه این سفارشی کار کردن چه آفت‌هایی دارد؟

به نظر من ترجمه کاری است که انسان سفارشی‌ای که دیدم رابطه دوستانه مترجم است که وقتی کار سفارشی باشد، شما فقط این در نهایت به بدنه کار آسیب می‌رساند. باعث آزار من می‌شود، یکی غایب بودن زبان و سلیس نبودن زبان فارسی است؛ روی دیگر سکه زمانی است که متن به شدت ادبی می‌شود و از متن اصلی هم فراتر می‌رود و به قول مرحوم امامی، کلاغ انگلیسی‌گو تبدیل به بلبل فارسی‌گو می‌شود. که در کارهای ترجمه زیاد دیده می‌شود.

بله، نبود فارسی معیار بیشتر به بدنه صدمه می‌زند. ترکیب‌های ساختاری و عاریتی زبان انگلیسی، فرانسوی، روسی و... در فارسی خیلی مشهود است. به همین دلیل ما ترجمه را در فرهنگ خودمان زیرشاخه‌ای از تألیف می‌دانیم و همین باعث شده تا نتایج بدی برایمان داشته باشد. حتی بعضی افراد مجموعه‌ای از ترجمه چند منبع را به صورت تألیف مدون می‌کنند و این یکی از آفت‌های ترجمه است.

آیا قصد ندارید یک فرهنگ نامه، ولو مختصر، از واژگان معادل در حوزه سینما که پیدا و استفاده کرده اید، ارائه دهید؟

الان زمان خوبی نیست و به نظر زود است، چرا که شمار این واژگان آن قدر نشده که به صورت کتاب در بیاید. اما ایده خوبی است و می‌شود در موردش فکر کرد.

در حال حاضر فرهنگ واژگان سینما هست که بشود ترجمه کرد؟

هست، اما مسئله این است که واژگان سینمایی در هر متن معنایی متفاوت دارند. من در برخی متون، واژه‌هایی را به عنوان راهنما در آخر کتاب آورده‌ام، اما همان طوری که گفتم تعدادشان زیاد نیست.

در حال حاضر چه کارهایی در دست دارید؟

ادامه مجموعه تک نگاری است که نشر هرمس منتشر کرده و تا الان سه تا از آن منتشر شده و «ماتریس» هم برای نمایشگاه آماده می‌شود. کل مجموعه ۳۰۰ الی ۴۰۰ جلد خواهد شد. تمام این کتاب‌ها را خودم به تنهایی ترجمه می‌کنم و اگر زمان طولانی‌ای هم بطلید، اصلاً ایرادی ندارد.





ژورنال مطالعات انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی